

پیش دبستانی در جهان

# پاسخ به نیازها و مکانی برای رشد موزون کودکان

## آشنایی با شیوهی کار مجموعه مهدهای کودک والدورف در آلمان

به کوشش: شیرین برزین

### اشاره

چندی پیش در جلسه‌ای با حضور مربیان پیش دبستان، یک خانم ایرانی که در آلمان در یک مهد کودک به عنوان مربی فعالیت می‌کرد، روش و برنامه‌های مهد کودک‌های والدورف را معرفی کرد. شیوهی آموزش و روش کار این مهد کودک، توجه مرا جلب کرد. به طوری که در سفر کوتاهی که به آلمان داشتم، کوشیدم اطلاعات بیشتری در این مورد کسب کنم.

خیلی زود متوجه شدم، دختر خواهرم در یکی از این مهد کودک‌ها تحت آموزش قرار دارد. پی‌گیری‌هایم سبب شد بتوانم، با مربی ارشد این مهد کودک ملاقاتی داشته باشم. این خانم مربی که براون نام داشت، با حوصله و علاقه و شور اشتیاق فراوان، در فرصتی که پیش‌بینی کرده بود، در مورد طرز تفکر مؤسس این مهد کودک برایم صحبت کرد و بخش‌های گوناگون آن جا را به من نشان داد. هم‌چنین اجازه داد یک نیم‌روز در یکی از کلاس‌ها، کنار کودکان و مربیان حضور داشته باشم. حاصل این دیدار را به صورت خلاصه در ادامه می‌خوانید.



پرتال جامع علوم انسانی

### ۸۲ سال سابقه‌ی آموزشی

اولین مهد کودک در سال ۱۹۲۶ در اشتوتگارت آلمان، کنار مدرسه‌ای به نام والدورف تأسیس شد؛ در واقع یک‌سال و نیم بعد از مرگ رودلف اشتاینر، کسی که اساس تعلیم و تربیت والدورف را پی‌ریزی کرده است. در حال حاضر، تقریباً در همه جای دنیا مهدهای کودک والدورف وجود دارند که به شیوه‌های گوناگون فعالیت می‌کنند؛ مهد کودک کلاسیک، مهدهای مدرسه و... در این مهد کودک، کودکان از سه سال تا ۶ سال، با سطوح متفاوت پیشرفت، همگی با هم هستند و مؤسسه، تا زمان ورود به مدرسه، کودکان را همراهی می‌کند. اگرچه تمامی مهد کودک‌های والدورف قانوناً به سازمان خاصی وابسته‌اند، ولی در اداره‌ی آنها تنوع و گوناگونی مشاهده می‌شود.

پراهمیت‌ترین ویژگی مؤسسه‌ی آموزشی والدورف، توجه به علوم انسان‌شناسی و روان‌شناسی است که احساس مسئولیت و برخورد صحیح مربیان، برخاسته از آن است. اولیا از روش آموزشی مؤسسه آگاه‌اند و به آن علاقه دارند. دلیل این علاقه، روش کار و برخورد خاص مربیان با کودکان است. آنها می‌کوشند، کودکان در محیطی مناسب، این دوره‌ی بسیار حساس را سپری کنند.

### آموزش همراه با آزادی

مسئولان مؤسسه اعتقاد دارند: «تربیت کودکان نیازمند تربیت خود ما به عنوان مربی است.»

مفهوم کلی کار در این مؤسسه، دانش‌آموزی و محبت به کودک، با دادن آزادی به اوست. «آموزش همراه با آزادی» نظریه‌ای با اهمیت در آموزش و پرورش کودک است. در سایه‌ی آزادی دادن به کودک است که احساس آرامش، راحتی و امنیت در او به وجود می‌آید و خلاقیتش بروز می‌کند. در چنین فضایی، کودک احساس خوشایند و دل‌پذیر امنیت را تجربه می‌کند. مهد کودک والدورف از نخستین قدم‌های تأسیس، با کمک و پشتیبانی پدران، مادران و مربیان اداره شده است و آنها هنوز هم در انجام کارهای روزمره مشارکت دارند. مرتب کردن مهد کودک و باغچه‌ها، برنامه‌ریزی برای جشن‌ها، تبلیغ برای مهد کودک و... از فعالیت‌هایی هستند که با کمک پدران و مادران و مربیان انجام می‌شوند.

این جامعه همیشه پویا، زنده، و در حال تغییر است. در مورد هیچ امری از قبل تصمیم‌گیری نمی‌شود و همه‌ی مسائل با شفافیت مطرح می‌شوند.

**طبقه‌بندی اداری** به‌عنوان رییس، معاون و... وجود ندارد و مؤسسه با هم‌فکری اداره می‌شود.

### مهد کودک، فضای تعامل کودک با محیط

رودلف اشتاینر می‌گوید: «همان‌طور که طبیعت در شکم مادر محیط فیزیکی مناسبی برای رشد کودک فراهم می‌کند، مربی هم وظیفه دارد بعد از تولد کودک، محیط فیزیکی مناسبی فراهم کند تا اندام او به‌طور مناسب رشد کند و شکل بگیرد.»

هفت سال اول زندگی بزرگ‌ترین مرحله‌ی رشد فیزیکی کودک است. او دنیا را با حواس خود درک می‌کند و بر دنیا تأثیر می‌گذارد. با محیط زندگی خود رابطه برقرار می‌کند و موجودات اطرافش را می‌شناسد.

کودک از بدو تولد خود با استفاده از حواس پنج‌گانه‌اش می‌کوشد، به کنجکاوی خود نسبت به محیط پاسخ دهد. اطلاعات بیشتری دریافت کند. محیط اطراف، نحوه‌ی گفت‌وگوی بزرگسالان با او، داستان‌هایی که برایش می‌گویند، بازی‌هایی که با او می‌شود، تلویزیون، نحوه‌ی ارتباط بزرگسالان و برخورد آنان با یکدیگر، پاسخ‌هایی که بزرگسالان به سؤالات او در مقابل مشکلات زندگی می‌دهند، همه و همه چیزهایی هستند که کودک احساس می‌کند و می‌بیند و برای او جنبه‌ی آموزشی دارد.

البته دنیای کودک فقط آن‌چه در اطراف او می‌گذرد، نیست. او هم محیط خارج را لمس می‌کند و هم رفتار درونی و روح و روان بزرگسالان را درک می‌کند و از آن الگو می‌گیرد. در واقع، در مراحل اولیه‌ی زندگی، حرکات و حالات چهره و بدن دیگران موقع صحبت کردن، برای کودک جالب و مهم هستند. وقتی کودک روی رفتار دیگران تمرکز می‌کند، فقط به ظاهر آن‌ها توجه ندارد، بلکه مفهوم حرکات نیز در او اثر می‌گذارند. این مفهوم، بدون آن‌که دیگران در آن دخالتی داشته باشند، به کودک منتقل می‌شود.

در سه سال اولیه‌ی زندگی، کودک توانایی‌های ضروری را برای زندگی در دنیای اطراف کسب می‌کند. در یک سال اول می‌آموزد حرکت کند. در دو سالگی صحبت کردن را یاد می‌گیرد و تجربه‌ی او در سه سالگی، فکر کردن، جنبش و بیدار شدن است. راه رفتن، حرف زدن و فکر کردن، او را به مخلوقی تبدیل می‌کند که می‌تواند طبیعت و محیط را بشناسد. از آن‌چه در اطراف کودک می‌گذرد، تصویرهایی در ذهن او نقش می‌بندد که به نوعی برای زندگی آینده به او الگو می‌دهند و در کیفیت اخلاقی او اثر می‌گذارند.

کودک در سن سه‌سالگی با گفتن «من» خودش را از دنیا جدا می‌کند. قدرت الگوگیری او را آماده می‌کند تا با میل خود پیام‌هایی از دنیای اطراف دریافت کند و در بازی‌ها به آن‌ها عمل کند. این‌جاست که نقش و مفهوم بازی آزاد کودک در تکامل او مشخص می‌شود. بازی آزاد محور روش والدورف است. ایده‌های بازی از تجربیات کودک گرفته می‌شوند. او با الگوگیری از پدر، مادر، مربیان و به‌طور کلی بزرگ‌ترها، بازی‌های خلاقانه، شاد و جذابی را طراحی می‌کند. تمام حواس خود را به کار می‌گیرد، تجربه می‌کند و با کمک بازی و تخیل، درک لازم را از دنیا پیدا می‌کند. این اساس رشد فکری و خلاقیت اوست. از این طریق است که کودکان به دنیا و خودشان اعتقاد و اعتماد پیدا می‌کنند.

در این میان، نقش اطرافیان در ایجاد فرصت‌های لازم به‌منظور فراگیری و تقلید کردن بسیار مهم است. این بزرگ‌ترها، والدین و مربیان هستند که دل‌بستگی و علاقه‌ی کودک را به سوی فراگیری سوق می‌دهند. محیط اطراف و مهدکودک فضایی است که می‌تواند این تعامل را جهت دهد.

### پیروی از نظم طبیعی زندگی

نکته‌ی مهم دیگر آن‌که زندگی انسان‌ها نظم خاص خود را دارد: دم و بازدم، خوابیدن و بیدار شدن، درد و خوش‌حالی، زمستان و تابستان و... این نظم، یکنواخت و از قبل تعیین شده نیست و همیشه از نظر تکرار و چرخش، زنده و تازه است. سلامت جسم و روح انسان به هماهنگی و جنبش بستگی دارد. برای رشد و بلوغ اندام بدن، کودک به ملزومات بسیاری نیاز دارد. این ملزومات زاینده‌ی روال روزمره‌ی زندگی هستند که فعالیت دوره‌ای منظم و متناوب را می‌طلبد.

ساختار سازگار برنامه‌ی روزانه، باعث امنیت کودک می‌شود و کمک می‌کند، او در فضایی امن خود را بشناسد. کودک روز را با تکرار فعالیت‌های دوره‌ای مشخص می‌گذراند و شب را با اطمینان از این‌که فردا همه چیز برای او مشخص است، به خواب می‌رود. از طریق برنامه‌های دوره‌ای مشخص، کودک تجربه می‌کند چه‌طور برنامه‌اش را برای یک هفته پی‌ریزی کند؛ برنامه‌ای ویژه برای هر روز متفاوت از یک هفته. تکرار در برنامه‌ها بسیار مهم است. برنامه‌های مهدکودک والدورف هم نظم هفتگی و هم نظم ماهانه دارند.

در مجموع می‌توان گفت، چهار مؤلفه‌ی اساسی والدورف در آموزش کودکان از این قرار است:

۱. مربی الگوی کودکان است
۲. بچه‌ها از مربی تقلید می‌کنند.
۳. کارها نظم خاصی دارند.
۴. این نظم تکرار می‌شود.

### مبانی طرح‌ریزی فعالیت‌ها

رودلف اشتاینر می‌گوید: «مهم فقط این است که در آینده روح هر انسان، تصویر جامعه منعکس شود، همان‌طور که انسان نیز قدرت دارد بر جامعه تأثیر بگذارد.»

مؤسسه‌ی والدورف می‌کوشد، برای کودکان محیطی فراهم سازد تا نیازها و احتیاجات رشد را به کمک حواس و تجربه کسب کنند. به این منظور فعالیت‌هایی را طرح‌ریزی می‌کند که:

- برای کودکان قابل فهم و معنادار باشند
- از قدرت تخیل کودک که بعدها اساس تفکر خلاق او می‌شود، مراقبت و به



رشد آن کمک کنند.

- کودک را به الگوگیری از بزرگ‌ترها و مربیان برانگیزند.
- توانایی‌های بالقوه‌ی کودک را به فعل درآورند.
- این اصل را به کودک بیاموزند که دنیای اطرافش پر معنی خلق شده است.
- شادی و سرگرمی جزو جدایی‌ناپذیر آن‌ها باشد.
- حواس پنج‌گانه‌ی کودکان را به کار گیرند تا از این طریق دنیای اطرافشان

را بهتر بشناسند.

## فضا، ابزار و برنامه‌های مهد کودک

مهد کودکی که من مشاهده‌گر آن بودم، ساختمان دو طبقه‌ای بود در میان باغی نسبتاً بزرگ و به‌نظر می‌رسید محیط مناسبی برای زندگی، آموزش و رشد کودکان طراحی شده است. ساختمان چند کلاس داشت و باغ هم بخشی از جنگل بود که قسمتی از آن را دستکاری و متناسب‌سازی کرده بودند و در آن درختان میوه و گل، انواع بوته و تنه‌های بریده‌شده‌ی درختان به‌منظور نشستن، به چشم می‌خوردند.

در طبقه‌ی اول این ساختمان سه کلاس، هر یک با ۲۳ کودک سه تا شش ساله وجود داشت. هر کلاس را یک مربی ارشد و یک مربی کارآموز اداره می‌کردند. اتاق مدیر مهد کودک و کلاس کودکان زیر سه سال، در طبقه‌ی دوم واقع شده بود؛ کلاس بسیار بزرگ با نور متناسب و کافی، میز و صندلی‌های چوبی بود که با اندام کودک تناسب داشتند و با قرار دادن آن‌ها کنار یکدیگر، میز بزرگی برای غذا خوردن و یا فعالیت‌های گروهی درست می‌شد.

در بخشی از اتاق، فرش گردی برای نشستن در هنگام فعالیت‌هایی مثل قصه‌گویی و... قرار داشت. تکه‌های پوست گوسفند در جای جای اتاق به چشم می‌خوردند. بخشی از اتاق به آشپزخانه‌ی

باز اختصاص داشت؛ با ظرف‌شویی و شیر آب، اجاق گاز، کابینت، ظروف پخت غذا، فر، ظروف پخت شیرینی و کیک و درست کردن چای و قهوه، سبذ، همزن، ملاقه و... یک زیرپایی برای استفاده‌ی کودکان از ظرف‌شویی، جلوی آن قرار گرفته بود. پیش‌بند‌های متعدد، دستمال، سینی و... نیز در کناری گذاشته شده بودند. صبحانه و ناهار در همین اتاق، توسط مربیان، در حضور و با کمک کودکان تهیه می‌شود. برای تهیه‌ی صبحانه و غذا، از مواد طبیعی و به‌خصوص غلات و عسل، کشمش، شیر و میوه‌ها استفاده می‌شود. غذا برنامه‌ی ماهانه‌ی ثابت و هر روز هفته غذای مخصوص دارد.

در هر کلاس، یک آکواریم و قفس پرند و وسایل دیگری مثل: ابزار ساده‌ی تولید صدا و موسیقی، گلدان، شمع و شمعدان، ترازوهای ساده، نوارهای کاموایی قلاب‌بافی شده، خوشه‌های گندم، وسایل پشم‌ریسی، پشم، گیره‌های چوب‌برختی، ظروف سفالی، حیوانات و عروسک‌های پارچه‌ای و پشمی دست‌ساز، تکه‌های نم‌د، حیوانات چوبی، میوه‌های گوناگون، میوه‌ی درخت کاج و بلوط، شاخه‌های درخت، تکه‌های چوب، عروسک‌های بافتنی، صدف، خانه‌های حلزون، دستمال، تکه‌پارچه‌های بزرگ و کوچک، طناب و نوارهای پارچه‌ای و تکه‌های سنگ. مؤسسات آموزشی والدورف اسباب‌بازی‌های آماده‌ی موجود در بازار را برای رشد حواس کودک مناسب نمی‌دانند، از این‌رو از عروسک‌های

آماده‌ی پلاستیکی خبری نبود.

هر یک از وسایل موجود در کلاس می‌توانستند هر لحظه تغییر کنند و به‌جای چیز دیگری به کار گرفته شوند. تکه‌ای چوب، زمانی به‌عنوان اتو و زمانی دیگر به‌عنوان ماشین و یا تلفن به کار گرفته می‌شود.

میوه‌ی کاج می‌تواند سیب، گلابی یا غذایشان باشد. از میوه‌ی بلوط به‌عنوان پول و... استفاده می‌کنند. گاهی میوه‌ی بلوط خراب می‌شود و باعث خراشیده شدن پوست آن‌ها می‌شود. این‌ها همه تجربه هستند. خانه نماد مهمی است. کنار اتاق، تعدادی چارچوب‌های چوبی قرار داشتند. کودکان با نوارهای پارچه‌ای آن‌ها

را به هم می‌بندند،

پارچه‌های بزرگی روی آن می‌اندازند، گیره می‌زنند و خانه درست می‌کنند.

سپس در این خانه‌ها به بازی می‌پردازند.

کودکان بزرگ‌تر در

این کار به کودکان

کوچک‌تر کمک

می‌کنند. مربیان نیز

در صورت لزوم

به آن‌ها کمک

می‌کنند.

وقتی مربی

کلاس را مرتب



می‌کند، به بچه‌ها می‌گوید، به کمک نیاز دارد. تمام کارها توسط مربیان و کودکان انجام می‌شوند. مربی غذا می‌پزد، جارو می‌زند، گردگیری می‌کند، ظرف می‌شوید و در کارها از بچه‌ها کمک

می‌گیرد. کودکان با الگوگیری از مربیان می‌آموزند و تجربه می‌کنند. نوارهای بافتنی را مربیان می‌بافند؛ به پهنای سه چهار سانتی‌متر و طول حدود یک متر. از این نوارها برای وصل کردن چارچوب‌ها به یکدیگر یا به‌عنوان بند رخت استفاده می‌شود. پس از پایان بازی، بچه‌ها آن‌ها را به هم می‌پیچند و حلزون درست می‌کنند و می‌گویند: «حلزون رفت به خانه‌ی خودش» و نوارهای پیچیده شده را برای استفاده در روزهای بعد، در سبد قرار می‌دهند.

## تکرار و تقلید

تکرار در برنامه‌ها بسیار مهم است؛ مثل نفس کشیدن و بیرون دادن دم و بازدم. قصه‌ای که اول هفته تعریف می‌شود، لغت به لغت در روزهای دیگر تکرار

بازی، بزرگسالان باید تلاشی معادل کودکان داشته باشند. این مهم است که کودکان در بازی آزاد چگونه مشاهده کنند و چگونه الگو بگیرند. آنان به فرصتهایی برای الهام گرفتن از بزرگسالان نیاز دارند.

مقداری ارزش به جای گنجی که کودکان پیدا کرده‌اند، سیبزمینی و شاهبلوط در یک فروشگاه خیالی، گم شدن در جنگل و پیدا کردن راه، برج‌سازی یا پل‌سازی با تکه‌های چوب، و... از بازی‌هایی هستند که تخیل کودکان را پرورش می‌دهند و آنان را به تجربه کردن واقعیات زندگی وامی‌دارند. بچه‌ها احتیاج دارند که پنهان شوند، حرکت کنند، از جاهای تنگ بگذرند، از زیر چادر رد شوند، از جای تاریک عبور کنند و نور را ببینند تا در آن‌ها، احساس حرکت، لمس، تعادل، حس زندگی و... برانگیخته شود.

### پاسخ به نیازهای روحی

روح انسان نیز به غذا نیاز دارد. در سراسر سال در این مهدکودک جشن‌های مذهبی برگزار می‌شوند. به احساس مذهبی بودن اهمیت می‌دهند و در برنامه‌ها از نمادهای مذهبی بهره می‌گیرند. جشن‌های مذهبی که با تربیت دینی بچه‌ها ارتباط دارند، در این مهدکودک به‌عنوان تغذیه‌ی روحی در نظر گرفته می‌شوند. این برنامه‌ها مثل فیلم و عکس در ذهن کودک ثبت می‌شوند.

هر جشنی، مراسم، داستان، سرود و آهنگ و غذای ویژه‌ی خود را دارد که حتماً رعایت و اجرا می‌شوند. به آداب و رسوم و برنامه‌های سنتی نیز در زمان خود توجه خاص می‌شود و برنامه‌های شاد و مخصوص آن‌ها، یک‌به‌یک به اجرا درمی‌آیند.

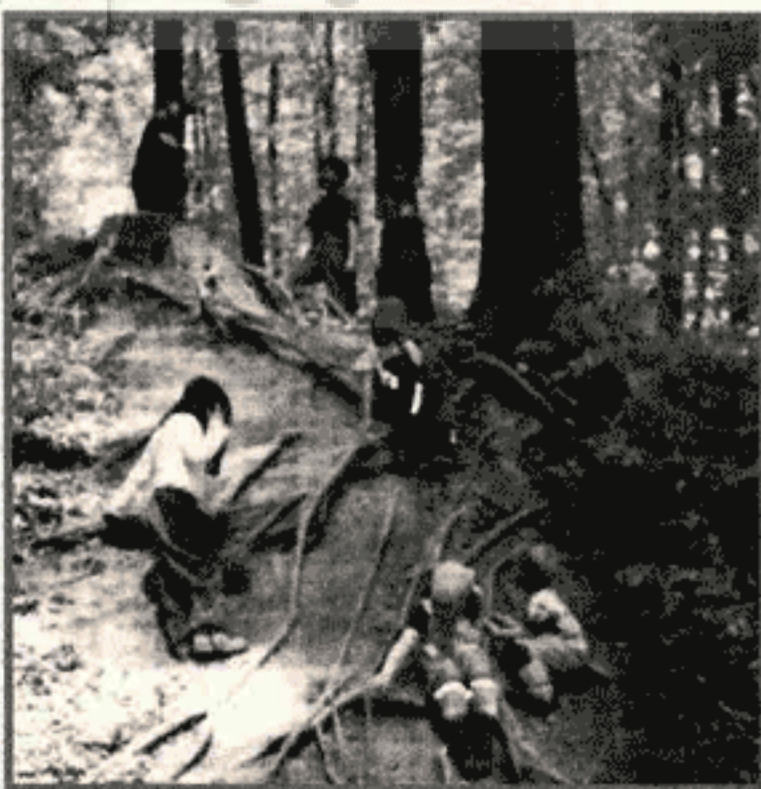
برنامه‌ی خوردن صبحانه و غذا، هر روز با دعا شروع و با شکرگزاری تمام می‌شود. کودکان پس از فعالیت‌های خود و قبل از خوردن غذا، به‌طور گروهی برای شستن دست و رو می‌روند. ضمن شستن، سرود خاصی را می‌خوانند و پس از آن نیز ضمن خواندن سرود، روغن معطری را برای نرم شدن پوست، به دست و صورت می‌مالند.

هر روز پس از فعالیت‌های کلاسی و در ساعت آخر، بچه‌ها را در باغچه‌ها رها می‌کنند. آن وقت است که گویا آن‌ها نفس را پس می‌دهند. بچه‌ها در باغ بازی می‌کنند و مربی - مگر در مواقع ضروری - دخالتی نمی‌کند و فقط نظاره‌گر است. کودکان در این فضا به راحتی در محیطی واقعی به کسب تجربیات خوشایند و دل‌پذیر می‌پردازند. گیاهان را لمس می‌کنند و می‌بویند، حشرات، کرم‌ها و پرنده را مشاهده می‌کنند، از درخت بالا می‌روند، با شن‌ها بازی می‌کنند و ظروف را از شن پر و خالی می‌کنند. از تاب و سرسره استفاده می‌کنند و از تونل رد می‌شوند، به دنبال گمشده‌ی خیالی می‌گردند و به نوعی با گیاهان و حیوانات تماس می‌گیرند.

نکته‌ی اساسی این است که در این مهدکودک، اجباری در آموزش وجود ندارد. وظیفه‌ی اصلی مهدکودک، فراهم کردن امکانات لازم و ایجاد فضایی امن برای یادگیری کودکان است. در سایه‌ی این امنیت خلاقیت کودکان بروز می‌کند و راه‌حل‌های تازه ابداع می‌شوند. کودکان از این طریق، به خودشان و دنیا اعتقاد و اعتماد پیدا می‌کنند.

می‌شود تا همه‌ی کودکان آن را بیاموزند. شاید هر قصه چند هفته تکرار شود. قطعه‌ای از تنه‌ی یک درخت باریک، به‌صورت صاف و مورب از عرض به چند تکه بریده شده است. کودکان این تکه‌ها را روی هم می‌گذارند تا نتیجه بگیرند، این چوب‌ها هرگز روی هم نمی‌ایستند، مگر آن که سطحی صاف و افقی داشته باشند. سطوح شیب‌دار نمی‌توانند روی یکدیگر بایستند. هیچ‌کس به آن‌ها توضیح نمی‌دهد. آن‌ها تکرار می‌کنند تا برای همیشه بفهمند که روی سطوح شیب‌دار نمی‌توان چیزی به‌طور ثابت قرار داد. به تقلید و تکرار برنامه‌ها اهمیت فراوانی داده می‌شود. تقلید و پیروی همیشه مسئله‌ی اصلی در زندگی انسان بوده است. کودک در سال‌های اولیه‌ی زندگی، همیشه از کسی که از او مراقبت می‌کند، آموزش می‌گیرد؛ همان‌طور که جهانگرد از سفرهای پی‌درپی خود.

فعالیت‌هایی چون رنده کردن، اره کردن، نخ‌ریسی، دوخت و دوز، لباس شستن، اتو کردن و... طوری برنامه‌ریزی شده‌اند که کودکان با تقلید و تکرار آن‌ها، ضمن کسب مهارت در انجام امور، با مربیان همکاری کنند. ایده‌های بازی کودکان از تجربیات و موقعیت‌هایی که به‌طور اتفاقی به‌وجود می‌آیند، شکل می‌گیرند. فعالیت‌های بزرگ‌ترها هر لحظه پیام جدیدی برای کودکان دارند.



برای مثال، با کمک کردن، نان و کلوچه درست می‌شود. آن‌ها اجازه دارند قدرت بدنی خود را با آسیاب کردن گندم و دانه‌های دیگر تجربه کنند. صبحانه‌ی خود را به شکلی که دوست دارند آماده می‌کنند و مزه‌ی خوب نان را می‌چشند. به این وسیله، آن‌ها تمام حواس خود را به‌کار می‌گیرند، تجربه می‌کنند و به درک تازه‌ای از دنیا دست می‌یابند.

### بازی، پرورش تخیل

بازی در شاد کردن، تحرک و تفکر کودک نقشی اساسی دارد. در